

Proliferation of Tribunals and Jurisdictions in International Trade Law and Possible Solutions to Deal with it

Mir Shahbiz Shafe¹, Mahdi Delgir²

Abstract

Field and Aims: Proliferation of international tribunals and jurisdictions is a rather new phenomenon that has emerged in international public law, generally and in international trade law, specifically. However, this phenomenon signals preparation on the part of states to use courts and tribunals for settling their disputes peacefully, it may raise problems when courts arrive at divergent or event conflicting rulings in an international legal order that lacks hierarchy. This article aims to address whether proliferation of tribunals and jurisdictions has emerged in international trade law; and if so, what is its consequences for international trade law and which possible solutions may be suggested to deal with its negative consequences.

Method: This Research is prepared by a descriptive-analytical method.

Finding and Conclusion: Given to reasons for proliferation of tribunals and jurisdictions that are addressed in this article, the answer to the question of emergence of proliferation in international trade law is positive. Thus, the consequences of proliferation in international trade law are presented. Then, in regard with exclusive jurisdiction of World Trade Organization (WTO) for international trade disputes and its exceptions by Free Trade Agreements (FTAs), practical instances of conflicting jurisdictions in international trade law jurisprudence are recognized. Finally, possible tools for solving conflicting jurisdictions between WTO and FTAs disputes settlement mechanisms, and also possible solutions for improvement of cooperative interactions between these mechanisms are suggested.

Keywords: Proliferation of Courts and Tribunals, Conflicting Jurisdictions, World Trade Organization (WTO), Free Trade Agreements (FTAs), Dispute Settlement Mechanisms, Cooperative Interactions.

*Citation (APA): Shafe, M.S., Delgir, M. (2022). Proliferation of Tribunals and Jurisdictions in International Trade Law and Possible Solutions to Deal with it. *International Legal Research*, 15(57), 147-170.

https://alr.ctb.iau.ir/article_693489.html?lang=en

1. Assistant Professor, Public International Law Department, Law Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: mirshahbiz@hotmail.com

2. PhD Candidate in Public International Law, Law Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: mehdidelgir@yahoo.com



تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین الملل و راهکارهای مواجهه با آن

میر شهبیز شافع^۱، مهدی دلگیر^۲✉

چکیده

زمینه و هدف: تعدد محاکم و صلاحیت‌های بین المللی پدیده‌ی نسبتاً نو ظهوری است که در حقوق بین الملل عمومی به طور کلی و حقوق تجارت بین الملل به طور خاص شکل گرفته است. هرچند این پدیده نشان دهنده‌ی تمایل روزافزون دولت‌ها برای استفاده از روش‌های مسالمت آمیز برای حل و فصل اختلافاتشان است، اما در نظام حقوقی بین المللی فاقد سلسله مراتب می‌تواند با پیامدهای زیان بخشی، مانند رقابت صلاحیتی و صدور احکام متعارض، همراه باشد. در این مقاله قصد داریم بررسی کنیم که آیا پدیده‌ی تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین الملل شکل گرفته است یا خیر؛ و در صورت شکل گیری این پدیده، این امر چه آثاری بر حقوق تجارت بین الملل دارد و چه راه کارهایی را می‌توان برای مواجهه با پیامدهای منفی آن پیشنهاد کرد.

روش: این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی ارزیابی شده است.

یافته‌ها و نتایج: با توجه به عوامل مؤثر در پیدایش تعدد محاکم و صلاحیت‌ها که در این پژوهش بررسی شده‌اند، پاسخ پرسش مذکور در قسمت هدف مثبت است. بر این اساس، آثاری که تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین الملل دارد تبیین شده است. سپس، با توجه به صلاحیت انحصاری سازمان تجارت جهانی بر اختلافات تجاری بین المللی، و استثنائات وارد بر آن از سوی موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، نمونه‌های عملی تعارضات صلاحیتی در رویه‌ی قضایی تجاری بین المللی بررسی شده است. در نهایت، به منظور مواجهه با پیامدهای منفی تعدد محاکم و صلاحیت‌ها، ابزارهای پیشنهاد شده برای حل تعارضات صلاحیتی میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، و همچنین راهکارهای بهبود تعاملات مشارکتی میان این سازوکارها، شناسایی و ارزیابی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: تعدد دادگاه‌ها و محاکم، صلاحیت‌های متعارض، سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد، حل و فصل اختلاف، تعاملات مشارکتی.

* استناددهی (APA): شافع، میر شهبیز؛ دلگیر، مهدی. (۱۴۰۱). تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین الملل و راهکارهای مواجهه با آن. *تحقیقات حقوقی بین المللی*، ۱۵(۵۷)، ۱۴۷-۱۷۰.

https://alr.ctb.iau.ir/article_693489.html

۱. استادیار گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

رایانامه: mirshahbiz@hotmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده‌ی مسئول).

رایانامه: mehdidelgir@yahoo.com



مقدمه

طی دهه‌های گذشته، گسترش تعدد محاکم بین‌المللی و رقابت بین آن‌ها به‌عنوان پیامد فقدان ساختار سلسله‌مراتبی، توجه زیادی از سوی دانشوران و کنشگران به خود جلب کرده است. تعدد محاکم بین‌المللی در نفس خود مسئله‌ساز نیست. برعکس، این امر نشانی از آمادگی بیش‌تر دولت‌ها است برای آن‌که اختلافات خود را با استفاده از محاکم و دادگاه‌های بین‌المللی حل و فصل کنند. اما این تعدد زمانی مسئله‌ساز می‌شود که دادگاه‌ها به احکام متفاوت و گاه متعارضی می‌رسند. دلیل اصلی این مشکلات از فقدان روابط سلسله‌مراتبی و قانوناً الزام‌آور، میان محاکم است، که نتیجه‌ی آن عدم التزام دادگاه‌ها به نظر قضایی یکدیگر است (لاورانوس ۱، ۲۰۰۸: ۲۷۶).

تعدد محاکم و صلاحیت‌ها پدیده‌ای است که در فرایند تکامل نظام حقوق بین‌الملل در امر حل و فصل اختلافات حقوقی با آن مواجه شده‌ایم. مواد ۲۸۱ به بعد عهدنامه‌ی حقوق دریاهای، به‌ویژه بند ۱ ماده‌ی ۲۸۷، یکی از نمونه‌های بارز این امر است. این پدیده در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل نیز ممکن است رخ دهد و طرفین اختلاف، با در نظر گرفتن منافع خود، هر یک ممکن است به یکی از مراجع صالحه برای رسیدگی به اختلاف خود رجوع کنند. به دلیل ماهیت غیر مشارکتی گسترش دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی، هم‌پوشانی میان حوزه‌های صلاحیتی نهادهای قضایی مختلف رخ داده است؛ برای مثال یک اختلاف می‌تواند در صلاحیت بیش از یک مرجع رسیدگی قرار گیرد. این امر هم مسائل نظری و هم مسائل عملی درباره‌ی همکاری میان صلاحیت‌های متفاوت را برمی‌انگیزد. هدف این مقاله بررسی لوازمی است که تعدد دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی و رقابت صلاحیتی میان آن‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل به دنبال دارد و قصد داریم در نهایت راه کارهایی برای مواجهه با پیامدهای منفی این امر معرفی نماییم.

بر اساس این توضیحات، در بخش نخست، که در چهار قسمت تدوین شده است، ابتدا مسئله‌ی تعدد محاکم در حوزه‌ی حقوق تجارت بین‌الملل را تبیین می‌کنیم و بررسی می‌کنیم که آیا تعدد در حوزه‌ی تجارت بین‌الملل نیز پدید آمده است یا خیر. با توجه به پاسخ مثبت به این پرسش، در قسمت دوم، آثار تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل را بیان می‌کنیم. سپس، صلاحیت انحصاری سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی برای حل و فصل

1. Lavranos

۲. ماده‌ی ۲۸۷- انتخاب روش

۱. در موقع امضا، تصویب یا الحاق به این عهدنامه یا در هر زمانی بعد از آن، هر کشور آزاد خواهد بود که از طریق یک بیانیه کتبی، یک یا چند روش زیر برای حل و فصل اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای این عهدنامه را انتخاب نماید:

الف) دیوان بین‌المللی حقوق دریا تشکیل شده مطابق با پیوست ۶؛

ب) دیوان بین‌المللی دادگستری؛

ج) دیوان داوری تشکیل شده مطابق با پیوست ۷؛

د) دیوان داوری ویژه تشکیل شده مطابق با پیوست ۸ برای یک یا چند گروه از اختلافات مشخص شده در آن.

اختلافات تجاری بین‌المللی، و مواردی که صلاحیت سازوکار سازمان باصلاحیت سازوکارهای حل و فصل اختلاف موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد در تعارض قرار می‌گیرد، را با ذکر نمونه‌های عملی در رویه قضایی تجاری بین‌المللی ارزیابی می‌کنیم. درنهایت، ابزارهایی که برای حل تعارضات صلاحیتی پیشنهاد شده‌اند را ارائه می‌کنیم. در بخش دوم، با توجه به حجم زیاد قواعد ماهوی مشترک میان رژیم تجاری سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و اهمیت مشارکت میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف آن‌ها، راه‌کارهایی که برای بهبود تعاملات مشارکتی میان این سازوکارها پیشنهاد شده‌اند را ارائه و امکان موفقیت آن‌ها را ارزیابی می‌کنیم.

۱. تبیین تعدد محاکم و صلاحیت‌ها^۱ در حقوق تجارت بین‌الملل و آثار آن

همان‌گونه که اشاره شد جنبه‌ی مثبت تعدد دادگاه‌ها و محاکم در حقوق بین‌الملل اقبال بیش‌تر دولت‌ها برای حل و فصل اختلافاتشان از راه‌های مسالمت‌آمیز است. این امر در حوزه‌ی تجارت بین‌الملل به خوبی نشان داده شده است. امروزه ۱۶۴ کشور جهان عضو سازمان تجارت جهانی و ۱۶ کشور دیگر در حال انجام مذاکرات برای پیوستن به این سازمان هستند. ۲. براین اساس، اکثر کشورهای دنیا عضو سازمانی هستند که به موجب تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلاف صلاحیت اجباری برای رسیدگی به اختلافات تجاری میان اعضای خود را دارد. از طرف دیگر، خواست فزاینده‌ی دولت‌ها برای آزادسازی تجاری فراتر و خارج از چارچوب نهادی سازمان در قالب موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، تجارت ترجیحی، تجارت منطقه‌ای و ائتلاف‌های اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب شکل‌گیری تعداد زیادی از معاهدات دوجانبه و چندجانبه برای تسهیل آزادسازی تجاری شده است. اکثر این معاهدات برای حل و فصل اختلافات برآمده از تفسیر یا اجرایشان دربردارنده‌ی سازوکارهایی هستند. در چنین حالتی و با این تورم از سازوکارها امکان ایجاد صلاحیت‌های هم‌پوشان، رقیب و حتی متعارض افزایش می‌یابد و امکان صدور احکام متعارض از سوی این محاکم حقوق تجارت بین‌الملل را در معرض خطر عدم انسجام و پیش‌بینی‌پذیری قرار می‌دهد. تاجایی که این سازوکارهای متعدد پیامدهای مثبتی داشته باشند، یعنی بدون آسیب به انسجام حقوق بین‌الملل به حل و فصل اختلافات کمک کنند، چالشی ایجاد نخواهد شد. مسئله آنجا مطرح می‌شود که این پدیده با آثار و پیامدهایی منفی، مانند رسیدگی‌های

۱. در همین ابتدای کار این نکته را باید در نظر داشت که یکی از آثاری که پدیده‌ی تعدد محاکم و دادگاه‌های بین‌المللی دارد ایجاد صلاحیت‌های رقیب و گاه متعارض است، که مهم‌ترین اثر فنی تعدد محاکم و دادگاه‌های بین‌المللی است و بخش مهمی از راه‌کارهایی که در ادامه بررسی خواهیم کرد به حل این مسئله اختصاص دارد. به جهت همین تناظر و پیوند عمیق در ادبیات حقوق بین‌الملل از عبارت «تعدد صلاحیت» نیز استفاده شده است. ما نیز در این مقاله برای نشان دادن پیوند و همراهی این دو موضوع از عبارت «تعدد محاکم و صلاحیت‌ها» استفاده کرده‌ایم.

2. https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm

چندگانه یا صدور احکام متعارض، همراه باشد. در اینجا حقوق دانان و کنشگران بین‌المللی به دنبال چاره‌اندیشی برای کاهش آسیب‌ها و پیامدهای منفی این امر خواهند بود. با توجه به این توضیحات، در این مقاله نیز ما ابتدا توصیفی از چگونگی تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل خواهیم داشت. سپس، صلاحیت انحصاری سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی را توضیح خواهیم داد و رابطه‌ی آن با سایر سازوکارهای حل و فصل اختلاف را بررسی خواهیم کرد.

۱-۱. عوامل تاریخی - ساختاری تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل

در اواخر سده‌ی بیستم و اوایل سده‌ی بیست و یکم تغییر مهمی در حقوق بین‌الملل روی داده است. در این تغییر نقطه‌ی تمرکز مباحث از تحلیل‌های آموزه‌ای به بحث درباره‌ی رویه‌های نهادی حرکت کرده است. از طریق تخصصی کردن (یعنی از طریق ایجاد رژیم‌های خاص دانش و اظهارنظرهای فنی در حوزه‌هایی مانند «حقوق تجارت»، «حقوق بشر»، «حقوق محیط‌زیست»، «حقوق امنیت»، «حقوق کیفری بین‌المللی»، «حقوق اروپایی» و غیره) جهان رویه‌ی حقوقی به پروژه‌هایی نهادی تقسیم شده است. به همین دلیل است که کندوکاو برای جهت‌گیری سیاسی امر وزی شکل تعارض صلاحیتی و مجادله میان واژگان تخصصی رقیب را به خود می‌گیرد (کاسکنیمی ۱، ۲۰۰۹: ۱۷-۱۸). نتیجه‌ی تخصصی شدن حقوق بین‌الملل و تبدیل آن به رژیم‌های خاص دانش ایجاد انگیزش‌ها و موقعیت‌های متعارض و عدم تجانس در حقوق بین‌الملل است، که در زیر سیستم‌های حقوقی آن مانند حقوق تجارت بین‌الملل نیز ایجاد می‌شود. این امر به‌نوبه‌ی خود به توسعه‌ی نهادها و قواعد منطقه‌ای هم‌پوشان (که شاهدی بر پیوند جزئی یا محدود هستند)، و در نهایت چندپارگی نظم حقوقی منجر می‌شود (هافمن ۳، ۱۹۶۱: ۲۳۲).

تمام سیستم‌هایی که به سطحی از پیچیدگی و تخصصی شدن می‌رسند با مسئله‌ی صلاحیت‌های رقیب و پیامد آن، یعنی خطر رویه‌ی قضایی متعارض، مواجه می‌شوند. در این معنا، مسائلی که نظم حقوقی بین‌المللی با آن مواجه است بیش‌تر نشانی از بلوغ فزاینده‌ی آن است، نه نشانی از بحرانی

1. Koskenniemi

۲. در این عبارت کوتاه از مارتی کاسکنیمی، به‌طور کاملاً موجز نقطه‌ی پیوند، و نیز مبنای مشترک، میان مباحث نظری مربوط به معمای وحدت و چندپارگی حقوق بین‌الملل و مباحث فنی حقوق دانان و قضات بین‌المللی در خصوص تعارضات صلاحیتی را می‌یابیم.

3. Hoffmann

۴. با این که مقاله‌ی هافمن در سال ۱۹۶۱ به نگارش درآمده است ابتکار در عبارت‌ها و استدلال‌هایش برای توصیف وضعیت امروز حقوق بین‌الملل همچنان کاربرد دارند. پیش‌بینی شکل‌گیری قواعد منطقه‌ای و چندپاره شدن نظام بین‌المللی، با توجه به نظم حقوقی بین‌المللی آن دوران، نمونه‌ای درخشان از تحلیل دقیق یک اندیشمند علوم سیاسی از مناسبات حقوقی بین‌المللی است.

شایع (دوپوی ۱، ۲۰۰۷: ۴۱). این پیچیدگی سیستمی و عدم انسجام نظام حقوق بین‌الملل خود به عوامل فنی درون-سیستمی برای پدید آمدن تعدد محاکم و صلاحیت‌ها شکل می‌دهد، که در کنار عوامل تاریخی-ساختاری قابل بررسی هستند. امروزه، و پس از پایان جنگ سرد، گسترش انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد (یا با عبارت‌های دیگر: موافقت‌نامه‌ی تجاری منطقه‌ای، موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی)، که معمولاً در متن خود سازوکاری برای حل و فصل اختلافات برآمده از موافقت‌نامه اندیشیده‌اند، از مهم‌ترین عوامل تعدد محاکم و صلاحیت‌های بین‌المللی به شمار می‌آید.

ابتدا فضای بین‌المللی‌ای که حقوق بین‌الملل اقتصادی به‌طور عام و حقوق تجارت بین‌الملل به‌طور خاص در آن شکل گرفت را بررسی می‌کنیم. حقوق بین‌الملل اقتصادی به‌طور اساسی محصول دوره‌ی پس از جنگ جهانی دوم، و به‌طور خاص دوره‌ی پس از جنگ سرد، است. حقوق بین‌الملل اقتصادی در عبارت زیر به‌خوبی تعریف شده است:

[شاخه‌ای از] حقوق بین‌الملل که معاملات فرامرزی در کالاها، خدمات، ارز، سرمایه‌گذاری و مالکیت فکری، [به‌استثنای] مواردی که در موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی و هم‌چنین رفاه اقتصادی قرار می‌گیرند، را تنظیم می‌کند (واگت ۲، ۲۰۰۶: ۷۶۹).

در این میان، حقوق تجارت بین‌الملل دربردارنده‌ی حوزه‌هایی از حقوق بین‌الملل اقتصادی است که با «معاملات فرامرزی در کالاها، خدمات ... و مالکیت فکری» سروکار دارند. اغراق نخواهد بود اگر ادعا کنیم حقوق بین‌الملل اقتصادی پویاترین و فراگیرترین شاخه در حقوق بین‌الملل است، با بهترین سابقه‌ی اجرا و تبعیت در بین تمام شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی. اما، مانند حقوق بین‌الملل عمومی به‌طور کلی، نوعی تعدد نگران‌کننده در حقوق بین‌الملل اقتصادی، به‌ویژه در سی سال اخیر، به وجود آمده است.

امروزه بیش از ۴۰۰ موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد لازم‌الاجرا وجود دارد. تعداد زیادی نهاد و سازوکار مبتنی بر آن‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل اقتصادی وجود دارد که شامل بسیاری از دبیرخانه‌های موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای و نهادهای حل و فصل اختلاف‌شان می‌گردد. همانند حقوق بین‌الملل عمومی به‌طور کل، تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در زیرسیستم‌های حقوقی بین‌المللی نیز اتفاق افتاده است. در موضوع موردبحث ما در حقوق تجارت بین‌الملل، سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی با هم‌پوشانی‌های صلاحیتی با سازوکارهای موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد مواجه است و برخی از دسته‌های اختلافات امکان اقامه در برابر هر دو سازوکار را دارند. هم‌چنین، امکان هم‌پوشانی صلاحیتی میان رژیم تجاری بین‌المللی و سایر زیرسیستم‌های حقوق بین‌الملل نیز وجود دارد. یعنی امکان دارد اختلافی میان طرف‌ها هم در

1. Dupuy
2. Vagts

سازوکار سازمان اقامه گردد و هم در برابر سازوکارهای حل و فصل اختلاف غیر تجاری، مانند دیوان دادگستری اروپایی، اقامه شود.^۱

تعدد در نظم حقوقی تجارت بین‌الملل به نحوی منفی تلقی شده است. به‌طور خاص نگرانی‌هایی وجود دارد که این امر توسعه و انسجام حقوق تجارت بین‌الملل به‌عنوان یک شاخه را تضعیف می‌کند (برود، ۲۰۰۸: ۱۰۵). برای حوزه‌ای که بسیار به مفاهیم مربوط به کارایی اقتصادی گره خورده است، این نگرانی وجود دارد که چندپارگی کنونی به‌شدت ناکارآمد است و پیشرفت اقتصادی در تمام حوزه‌ها را تضعیف می‌کند. درنهایت، از آنجا که حقوق تجارت بین‌الملل تقریباً به نحو منحصر به فردی یک شاخه‌ی «زنده» و قوی است، تعدد و عدم انسجام احتمالی آن به‌طور فزاینده‌ای به فهم‌های متفاوت یا حتی سوءفهم‌ها منجر خواهد شد (پیکر، ۲۰۱۷: ۲۷-۲۸).

۱-۲. آثار تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل

همان‌گونه که اشاره شد ساختار نظام حقوقی بین‌المللی کنونی به نحوی است که موجب پدید آمدن محاکم و دادگاه‌های بین‌المللی متعدد در حوزه‌های متنوع حقوق بین‌الملل شده است. این تعدد خود آثار و پیامدهای متنوعی به دنبال دارد که در این قسمت مهم‌ترین آن‌ها را بیان می‌کنیم.

۱-۲-۱. چندپارگی^۲ حقوق تجارت بین‌الملل

افزایش سریع در تعداد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و سازوکارهای حل و فصل اختلاف برای لازم‌الاجرا کردن هنجارهای موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد به تبلور نگرانی‌های مربوط به چندپارگی رژیم حقوق تجارتی بین‌المللی منجر شده است. دلایل این امر تقریباً مشابه همان دلایل در حقوق بین‌الملل عمومی هستند، البته با برخی شاخص‌های مضاعف متفاوت. همانند دلایل چندپارگی حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق تجارت بین‌الملل نیز، در نتیجه‌ی بسط آن به شاخه‌های جدید رشد پیدا کرده است. این امر پس از جنگ سرد رونق پیدا کرده است به‌ویژه به این دلیل که حقوق تجارت بین‌الملل به‌مثابه‌ی تعاملات تجاری و موافقت‌نامه‌های متعاقب آن، در زمان صلح افزایش پیدا می‌کند. هم‌چنین، همانند حقوق بین‌الملل عمومی، تعدد در حقوق تجارت بین‌الملل بازتابی از عدم بلوغ نسبی و به‌ویژه شکست مستمر رویکردهای چندجانبه از سال ۱۹۹۵، مانند دور دوحه، می‌باشد (پیکر، ۲۰۱۷: ۲۶-۲۷). درنهایت، همانند حقوق بین‌الملل عمومی، این چندپارگی می‌تواند هم طبیعی و هم اجتناب‌ناپذیر نیز باشد.

۱. مهم‌ترین نمونه در این خصوص را می‌توان اختلاف مربوط به رژیم جوامع اروپایی برای واردات موز دانست که هم در سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان و هم در سایر سازوکارهای غیر تجاری موجب اقامه‌ی رسیدگی‌ها شده است.

2. Broude
3. Picker
4. Fragmentation



۱-۲-۲. صلاحیت‌های هم‌پوشان یا رقیب^۱

یکی از آثار مهم و طبیعی تعدد دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی این است که چند محکمه به یک دعوا رسیدگی کنند و قواعد کافی برای مواجهه با صلاحیت هم‌پوشان آن‌ها وجود نداشته باشد. صلاحیت هم‌پوشان میان سازمان تجارت جهانی و سایر نهادها، مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها یا نهاد‌های حقوق بشری، به‌طور نظری ممکن است، و در عمل نیز احتمال آن در حال افزایش است (کینگزبری^۲، ۱۹۹۹: ۶۸۳). با توجه به اشتراک موضوعی و ماهوی میان سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد احتمال ایجاد صلاحیت‌های هم‌پوشان و گاه متعارض میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف آن‌ها نیز در عمل افزایش یافته است.

۱-۲-۳. رسیدگی‌های چندگانه^۳

اثر دیگری که از تعدد دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی برمی‌آید این است که، هم‌زمان با اینکه دادگزار بین‌المللی^۴ به امری عادی بدل می‌شود و تعداد فزاینده‌ی دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی به روش‌های مختلفی عمل می‌کنند، مسائلی که قبلاً می‌توانستند به‌ظرافت در یک نهاد مورد رسیدگی قرار گیرند، به‌ناگهان در نهاد دیگری مورد رسیدگی قرار می‌گیرند (کینگزبری، ۱۹۹۹: ۶۸۴). رسیدگی‌های چندگانه می‌توانند در قالب رسیدگی‌های موازی^۵ و رسیدگی‌های متعاقب^۶ به جریان افتند. در رسیدگی‌های موازی، طرف‌های یک اختلاف رسیدگی‌های جدیدی را در رابطه با همان اختلاف در برابر دیوان یا محکمه‌ی بین‌المللی دیگری اقامه می‌کنند، پیش از آن که محکمه‌ی نخست مبادرت به صدور حکم کرده باشد. رسیدگی‌های متعاقب نیز هنگامی به جریان می‌افتند که یک دیوان یا محکمه‌ی بین‌المللی در خصوص اختلافی تصمیم‌گیری کرده است، اما پس از آن هر یک از طرف‌های اختلاف رسیدگی‌های جدیدی در رابطه با همان اختلاف را در برابر دیوان یا محکمه‌ی بین‌المللی متفاوتی اقامه می‌کند (شانی^۷، ۲۰۰۳: ۱۷).

هرچند نمونه‌های بسیاری می‌توان آورد که مسائل احتمالی همراه با تعدد محاکم جدی‌تر از آن است که تصور می‌کنیم، اما خطرات تعدد غیر سلسله‌مراتبی هر چه باشد، این امر تنها راه برای افزایش حل و فصل اختلافات بین‌المللی در حضور طرف سوم از طریق مراجع رسیدگی مبتنی بر قانون است. در عوض، این امر به‌عنوان سهمی بزرگ در دادرسی‌پذیری عملی و مؤثر اختلافات،

1. overlapping jurisdictions or competing jurisdictions
2. Kingsbury
3. Multiple proceedings
4. International Adjudication
5. Parallel proceedings
6. Subsequent proceedings
7. Shany

پیش‌بینی‌پذیر ساختن تصمیمات قضایی و تعمیق پیکره‌ی دادخواست‌های معتبر حقوق بین‌الملل تلقی شده است. به‌هرحال، بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی باور دارند که دسترس‌پذیری و استفاده‌ی فزاینده از محاکم بین‌المللی، حاکمیت قانون در روابط بین‌المللی را ارتقا می‌دهد. در این چارچوب حرفه‌ای، اکثر نگرانی‌های اظهارشده در رابطه با تعدد دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی درباره‌ی مطلوبیت ذاتی ایجاد چنین نهادهایی نیست، بلکه درباره‌ی مسائل سیستمی‌ای است که تعدد به آن‌ها دامن می‌زند (کینگزبری، ۱۹۹۹: ۶۸۸-۶۸۶).

۱-۳. صلاحیت انحصاری سازمان تجارت جهانی

ایجاد یک سازوکار حل و فصل اختلاف با صلاحیت انحصاری در حقوق بین‌الملل به‌ندرت دیده می‌شود، چرا که معمولاً عهدنامه‌های بین‌المللی رجوع به نهادهای حل و فصل اختلاف را مبتنی بر رضایت طرف‌های اختلاف در نظر می‌گیرند. یکی از این نمونه‌های نادر ایجاد ترتیبات صلاحیت انحصاری را می‌توان در تفاهم‌نامه‌ی قواعد و رویه‌های حاکم بر حل و فصل اختلاف^۱ که به موافقت‌نامه‌ی سازمان تجارت جهانی ضمیمه شده است، یافت.

ماده‌ی ۲۳ تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلافات^۲ به‌طور کلی به نحوی تفسیر شده است که انحصار مطلق در رابطه با اختلافات بین‌المللی مرتبط با تجارت را برای رکن حل و فصل اختلاف سازمان برقرار می‌کند. البته نجوایی مبنی بر این ادعا نیز وجود دارد که طرف‌های یک اختلاف همیشه می‌توانند مرجع رسیدگی دیگری را انتخاب کنند، حداقل در هنگامی که وضعیت عناصری کافی داشته باشد که خارج از سیستم تعریف‌شده‌ی موافقت‌نامه‌ی مراکش قرار دارد و در نتیجه خروج از قلمرو اجرای مطلق تفاهم‌نامه‌ی یادشده را توجیه می‌کند (دوپوی، ۲۰۰۷: ۳۸).

در نگاه نخست، ادبیات به‌کاررفته در ماده‌ی ۲۳ (اصطلاح «باید» و منع استفاده از رویه‌های بدیل) به نظر می‌رسد رژیم صلاحیتی انحصاری نا‌منعطفی را نشان می‌دهد، که ارجاع پرونده‌های

1. Memorandum of Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes; or Dispute Settlement Understanding (DSU), Annex 2 to the Agreement establishing the World Trade Organization, 15 Apr. 1994.

۲. ماده‌ی ۲۳- تقویم نظام چندجانبه

۱- هنگامی که اعضا درصدد جبران نقض تعهدات یا سایر موارد از میان رفتن یا لطمه به منافع پیش‌بینی‌شده در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش یا رفع مانعی بر سر راه دست‌یابی به هر یک از هدف‌های موافقت‌نامه‌های تحت پوشش برمی‌آیند، باید به قواعد و رویه‌های این تفاهم‌نامه متوسل شوند و از آن‌ها تبعیت نمایند.

۲- در چنین مواردی اعضا:

الف) هیچ تصمیمی دایر بر این که نقضی رخ داده، منافعی از میان‌رفته یا لطمه دیده یا دست‌یابی به هر یک از اهداف موافقت‌نامه‌های تحت پوشش یا مانع روبه‌رو شده است اتخاذ نخواهند کرد، مگر با توسل به [رویه‌های] حل اختلاف مطابق قواعد و رویه‌های این تفاهم‌نامه، و [اعضا] چنین تصمیمی را منطبق با یافته‌های مندرج در گزارش هیئت رسیدگی یا رکن تجدیدنظر که به تصویب رکن حل اختلاف رسیده یا به‌موجب یک حکم داوری که طبق این تفاهم‌نامه صادرشده است، اتخاذ خواهند کرد (ببینید: سازمان جهانی تجارت، ۱۳۹۸: ۶۱۱).

برخاسته بر اساس سیستم حقوقی سازمان به هر مرجع قضایی خارجی را ممنوع می‌کند. ماهیت انحصاری ماده‌ی (۱) ۲۳ در تصمیم هیئت سازمان در سال ۱۹۹۹ در پرونده‌ی /ایالات متحده بخش‌های ۳۱۰-۳۰۱ قانون تجارت ۱۹۴۷ نیز مورد تأیید قرار گرفته است.^۱

هرچند، با توجه به بند ۲ ماده‌ی ۲۳ و این که موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد خود سازوکاری برای حل و فصل اختلافات برآمده از موافقت‌نامه مقرر می‌کنند این صلاحیت انحصاری با محدودیت‌هایی مواجه شده است. نخست، باید بدانیم که ماده‌ی (۱۰) ۲۵ تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلاف به طرف‌ها اجازه می‌دهد تا توافق کنند اختلافشان را از طریق داوری، یعنی خارج از ساختار معمول نهادهای حل و فصل اختلاف سازمان، حل و فصل کنند. دوم، ادبیات به کاررفته در ماده‌ی (۲) ۲۳ به نوعی مبهم است چرا که تنها «تصمیمات»^۲ از جانب رویه‌های حل و فصل خارجی در خصوص نقض نظام حقوقی سازمان، از دست دادن منافع بر اساس آن یا آسیب به اهدافش را ممنوع می‌کند. ماده به روشنی امکان ارجاع اختلافات بر سر تفسیر^۳ موافقت‌نامه‌های سازمان به دادگاه‌ها و محاکم خارجی را از میان بر نمی‌دارد. سوم، روشن نیست که آیا از حل و فصل اختلاف بر اساس ترتیبات تجاری منطقه‌ای نیز جلوگیری شده است یا خیر. برعکس، می‌توانیم استدلال کنیم که اگر تصمیمات به طور رسمی در همامتن رژیم حقوقی متفاوت پذیرفته شده باشد ادبیات ماده‌ی (۲) ۲۳ توسط رویه‌های بدیل را ممنوع نمی‌کند. در نهایت، مطابق ماده‌ی (۲) ۱ تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلاف، قواعد مختص حل و فصل اختلاف یافت شده در موافقت‌نامه‌های تحت پوشش از مقررات تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلاف مهم‌ترند. در نتیجه، به نظر می‌رسد که شروط مختص تنظیم‌گری صلاحیت، مانند ماده‌ی ۱۱ موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی^۴ که صلاحیت غیرانحصاری تشکیلات حل و فصل اختلاف سازمان را مقرر می‌کند، باید غلبه داشته باشند. تمام این معیارها نشان می‌دهد که ماهیت انحصاری صلاحیت تفاهم‌نامه بر اساس سیستم حل و فصل اختلاف سازمان از نفوذناپذیر بودن دور است (شانی، ۲۰۰۳: ۱۸۳-۱۸۵).

۱. «اعضا باید به سیستم حل و فصل اختلاف تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلاف متوسل شوند، به نحوی که هر سیستم دیگری مستثنا شود». ببینید:

US — Sections 301-310 of the Trade Act of 1974, WTO Doc., WT/DS152/R (1999).

2. determinations

3. interpretation

۴. ماده ۱۱- مشورت‌ها و حل اختلاف

۳... هیچ چیز در این موافقت‌نامه به حقوق اعضا طبق دیگر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، از جمله حق توسل به مساعی جمیله یا سازوکارهای حل و فصل اختلاف سایر سازمان‌های بین‌المللی یا ایجادشده در چارچوب هر موافقت‌نامه بین‌المللی لطمه وارد نخواهد کرد (ببینید: سازمان جهانی تجارت، ۱۳۹۸: ۱۸۴).

5. Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary Measures (SPSM Agreement), Annex 1A to WTO Agreement, 15 Apr. 1994, Art. 11(3).

۴-۱. انواع تعاملات میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد

در این قسمت به این مسئله می‌پردازیم که سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند. در نخستین سال‌های استقرار سازوکار حل و فصل اختلاف از آن به‌عنوان نمونه‌ای که یک سیستم حل و فصل اختلاف بین‌المللی چگونه باید باشد حمایت می‌کردند. چندان از استقرار سازوکار حل و فصل اختلاف نگذشته بود که مسئله‌ی مورد نگرانی حقوق‌دانان، یعنی تعدد و چندپارگی محاکم بین‌المللی، اثرگذاری خود بر سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان را آغاز کرد؛ مسئله‌ای که از فقدان قواعد تنظیم‌کننده‌ی رابطه‌ی میان محاکم متفاوت برآمده است (لیم و گائو^۱، ۲۰۱۱: ۲۸۲-۲۸۳).

هنگامی که از تعدد محاکم و آثار آن سخن می‌گوییم باید در نظر داشته باشیم که این امر آثار خود را در «مقایسه» آشکار می‌کند؛ یعنی باید یک محکمه را با محکمه‌ی دیگری که به لحاظ صلاحیت‌های موضوعی و شخصی با یکدیگر نزدیکی و مشابهت دارند مقایسه کنیم و حوزه‌های هم‌پوشان آن‌ها را بررسی کنیم. با توجه به این که در اینجا تمرکز ما بر تجارت است، مهم‌ترین سازوکار حل و فصل اختلافات در تجارت بین‌الملل، یعنی سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی^۲ را مبنا قرار خواهیم داد و آثار تعدد محاکم و هم‌پوشانی‌ها و تعارضات صلاحیتی و نیز راه‌کارهای مربوطه را در پرتو رابطه‌ی این سازوکار با سازوکارهای موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد بررسی خواهیم کرد؛ چراکه نظام حقوقی حل و فصل اختلافات در نهادهای برآمده از موافقت‌نامه‌های دوجانبه و منطقه‌ای نظم حقوقی متفاوتی با نظم حقوقی برآمده از نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی را ارائه می‌دهند، به‌طور مثال در مورد کمیسیون اروپایی^۳ موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)^۴ موافقت‌نامه‌ی بازار مشترک کشورهای آمریکای جنوبی (مرکوسور)^۵.

مقدمه‌ی موافقت‌نامه‌ی مراکش مقرر می‌کند که هدف آن ارتقای کاهش تعرفه‌ها، بر مبنایی متقابل و مشترکاً سودمند، برای از بین بردن رفتار تبعیض آمیز و ایجاد سیستم تجاری به‌هم‌پیوسته، در دسترس تر و بادوام است. براین اساس، عدم تبعیض و چندجانبه‌گرایی مفاهیم کلیدی‌ای هستند که رژیم حقوق تجاری بین‌المللی سازمان را تعریف می‌کنند. برخلاف این، موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد موافقت‌نامه‌های تجاری‌ای هستند که تنها تجارت میان تعداد کمی از طرف‌ها را تسهیل می‌کنند؛ بنابراین، آن‌ها نیز موضوعات تجاری را پوشش می‌دهند، اما به‌روشی دوجانبه که علیه طرف‌های غیر موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد تبعیض اعمال می‌کنند. براین اساس، در یک

1. Lim and Gao

2. WTO Dispute Settlement Mechanism

3. European Commission (EC)

4. North American Free Trade Agreement (NAFTA)

5. Mercado Común del Sur (MERCOSUR): Common Market of the South

رابطه‌ی موافقت‌نامه‌ای میان شرکای تجاری، اختلافی یکسان یا مشابه آن می‌تواند هم از سوی قواعد موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد و هم از سوی قواعد چندجانبه‌ی سازمان تنظیم شود. بنابراین، هم‌پوشانی با رژیم تجاری چندجانبه‌ی سازمان در ذات موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد است (فورکولیتا، ۲۰۲۱: ۱۹). یک جنبه‌ی مهم از این هم‌پوشانی، هم‌پوشانی میان صلاحیت‌های سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد می‌باشد. این امر هم به مسائل نظری چشم‌گیری در خصوص مرجعیت میان محاکم و سازوکارهای حل و فصل اختلاف در تجارت بین‌الملل و هم به پرونده‌های پرشماری که در آن اصول و قواعد حل و فصل اختلافات به چالش کشیده می‌شوند شکل داده است.

در بررسی رابطه‌ی میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و سازمان تجارت جهانی در یک رژیم حقوق تجاری بین‌المللی چندپاره، سه نوع تعامل میان این سازوکارها را می‌توان از هم تفکیک کرد: ۱- تعاملات رقیب؛^۲ ۲- تعاملات متعارض؛^۳ و ۳- تعاملات مشارکتی.^۴ تعاملات رقیب وضعیتی را بازتاب می‌دهند که در آن یک دولت حق انتخابی برای مرجع رسیدگی دارد که یک اختلاف می‌تواند در آن اقامه شود؛ تعامل متعارض هنگامی رخ می‌دهد که دو سازوکار حل و فصل اختلاف به‌طور موازی یا متعاقب برای همان اختلاف به کاررفته شوند؛ و تعاملات مشارکتی هنگامی اتفاق می‌افتد که سازوکارهای حل و فصل اختلاف هم‌کوشی‌ها میان خود را از طریق همکاری مشترک با یکدیگر جلب می‌کنند یا یک سازوکار حل و فصل اختلاف به‌طور یک‌جانبه در مشارکت با سازوکاری دیگر درگیر شود (فورکولیتا، ۲۰۲۱: ۳).

اگر یک دولت که حق انتخاب دارد رسیدگی‌هایی به‌طور موازی در تمام مراجع در دسترس اقامه کند، و پس از آن یک سازوکار خواهان بعداً رسیدگی‌هایی درباره‌ی همان اختلاف در مرجع دیگری اقامه کند، یا خواننده به صلاحیت سازوکار دیگری به‌عنوان سازوکار مناسب متوسل شود، تعامل میان سازوکارهای سازمان و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، در کنار رقیب بودن، متعارض نیز خواهد شد. به‌علاوه، پس از آنکه یک سازوکار انتخاب شد، تعاملات قضایی مشارکتی نیز امکان‌پذیر است. بنابراین، ممکن است چند نوع از تعاملات قضایی در فراروند دادگزارای اختلافی یکسان به‌طور هم‌زمان یا در مراحل متفاوت وجود داشته باشد (فورکولیتا، ۲۰۲۱: ۵۴-۵۱).

1. Furculiță
2. Competing Interactions
3. Conflicting Interactions
4. Cooperative Interactions

۱-۴-۱. تعاملات متعارض میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد

تعاملات متعارض میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف که در قالب تعارضات صلاحیتی جلوه‌گر می‌شود مسئله‌سازترین نوع تعامل میان سازوکارها است و بیش‌ترین نگرانی‌ها در این خصوص ابراز شده است. یک تعارض صلاحیتی واقعی میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد و سازمان هنگامی تحقق می‌یابد که دو سازوکار حل و فصل اختلاف در عمل در رابطه با اختلافی یکسان (کلاً یا جزئاً) به کار گرفته شود، درحالی‌که قبلاً یک تصمیم قاطع از سوی یک مرجع رسیدگی صادر شده است و طرف اختلاف ناراضی همان اختلاف را به مرجع دیگری می‌برد. این امر ممکن است با خطراتی مانند از دست دادن انسجام، امنیت و پیش‌بینی‌پذیری سیستم، اعتبار تضعیف‌شده‌ی سازوکارهای حل و فصل اختلاف، اختلافات حل‌نشده و هزینه‌های دادخواهی افزایش‌یافته همراه باشد (فورکولیتا، ۲۰۲۱: ۵۱).

هم‌پوشانی‌های صلاحیتی در خصوص موضوعات مرتبط با تجارت از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که اکثر طرف‌های ائتلاف‌های اقتصادی منطقه‌ای (مانند بازار مشترک آمریکای جنوبی و موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد آمریکای شمالی) عضو سازمان تجارت جهانی نیز هستند. در نتیجه، بسیاری از موضوعات مرتبط با تجارت هم از سوی موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان و هم از سوی حقوق ماهوی موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد تنظیم می‌شود. در نتیجه، اختلاف‌های متعددی در خصوص محدودیت‌های مستقیم یا غیرمستقیم بر تجارت منطقه‌ای می‌توانند هم در برابر سازوکار سازمان و هم در برابر سازوکار موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد دارای شایستگی اقامه شوند (فورکولیتا، ۲۰۲۱: ۲۰۰-۱۹۹).

۱-۴-۲. نمونه‌های عملی تعارضات صلاحیتی در رویه‌ی قضایی حقوق تجارت بین‌الملل

موضوع تعارضات صلاحیتی میان سازوکارهای سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد تنها جنبه‌ی نظری ندارد؛ این امر در عمل اتفاق افتاده است. در عمل، اکثر پرونده‌های چندگانه‌ی مرتبط با تجارت تا به امروز در هم‌امتن اختلافات میان دولت‌های عضو نفتا که هم نفتا و هم سازمان تجارت جهانی بر روابط تجاری متقابل‌شان حاکم‌اند اتفاق افتاده است. هم‌پوشانی میان صلاحیت‌های رویه‌های حل و فصل اختلاف نفتا و سازمان در این واقعیت مورد تأکید قرار می‌گیرد که از سال ۱۹۹۵ پانزده دعوی بین دولتی مرتبط با تجارت میان اعضای نفتا به تشکیلات سازمان تجارت جهانی و نه نفتا ارجاع داده شده است. هم‌زمان، پنج اختلاف میان دولت‌های عضو نفتا به هیئت‌های نفتا ارجاع داده شد، اگرچه به همان میزان قابل‌واگذاری به صلاحیت تشکیلات سازمان نیز بودند.



در مشهورترین این اختلافات، در پرونده‌ی *نوشابه‌های مکزیکی*^۱ که در سازمان مطرح شد و با سیستم حل و فصل اختلاف نفتا نیز مرتبط بود، هیئت سازمان درخواست مکزیکی مبنی بر اعراض از صلاحیت خود به نفع هیئت داوری بر اساس فصل بیستم نفتا را پذیرفت. به نظر می‌رسد پرونده‌ی *نوشابه‌های مکزیکی*، اولین پرونده‌ای بود که در آن مسئله‌ی رقابت صلاحیتی میان سیستم‌های حل و فصل اختلافات تأسیس شده بر اساس موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و سیستم جهانی سازمان به روشنی مطرح شد (لاورانوس، ۲۰۰۸: ۲۹۶).

پرونده‌ی مشهور دیگری که از تعارضات صلاحیتی حکایت دارد اختلاف مربوط به سیاست واردات موز از سوی جامعه‌ی اقتصادی اروپا^۲ است. در این اختلاف سیاست جدید جامعه در رابطه با واردات موز در برابر دیوان دادگستری اروپایی^۳ و هیئت گات^۴ مورد اعتراض قرار گرفت. درحالی که گزارش هیئت گات به این نتیجه رسید که سیاست مربوطه شرط ملت‌های کامله‌الوداد بر اساس گات را نقض کرده است، دیوان دادگستری اروپا تکیه بر مقررات گات را رد کرد و تنظیم‌گری‌ها بر اساس نظام حقوقی شورای اروپایی را قانونی دانست (بینید: شانی، ۲۰۰۳: ۴۷-۵۰).

در خصوص تعارض صلاحیتی میان سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان و رژیم‌های ائتلاف اقتصادی منطقه‌ای نیز رسیدگی‌هایی اقامه شده است. در پرونده‌ی *آرژانتین ماکیان*، برزیل پس از آن که در ابتدا دعوی ناموفق در برابر سازوکار مرکوسور اقامه کرد، رسیدگی‌های سازمان را اقامه کرد.^۵ در اختلاف مشهور دیگری، در پرونده‌ی *برزیل - لاستیک‌های روکش شده*، در نتیجه‌ی حکم هیئت داوری مرکوسور کشورهای عضو مرکوسور از اعمال ممنوعیت تحمیل شده بر لاستیک‌های روکش شده از سوی برزیل مستثنا شده بودند. کمیسیون اروپایی رسیدگی‌ای علیه برزیل را در نهاد حل و فصل اختلافات سازمان، مبنی بر تبعیض آمیز بودن استثنای مرکوسور اقامه کرد. هیئت سازمان به این نتیجه رسید که استثنای مرکوسور تبعیض آمیز نبوده است؛ اما پس از درخواست تجدیدنظر کمیسیون اروپایی، رکن تجدیدنظر به این نتیجه رسید که استثنای مرکوسور تبعیضی خودسرانه و غیرقابل توجیه است.^۶ به طور خلاصه، رویکردهای متفاوت هیئت سازمان و رکن تجدیدنظر در این خصوص، از مسائل بالقوه‌ی نهفته در رقابت صلاحیت‌ها میان سیستم‌های حل و فصل اختلاف موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و سیستم جهانی حل و فصل

1. Panel Report, Mexico – Tax Measures on Soft Drinks and Other Beverages (Mexico – Soft Drinks), WT/DS308/R (Oct. 7, 2005).

2. Council Regulation (EEC) 404/93 of 13 Feb. 1993 on the Common Organization of the Market in Bananas, 1993 OJ (L 47) 1.

3. Case C-280/93, Germany v. Council [1994] ECR I-4973, 5071-74.

4. EEC - Import Regime for Bananas 34 ILM (1995) 177 (GATT Panel Report, 1994).

5. Argentina – Definitive Anti-Dumping Duties on Poultry from Brazil (Argentina – Poultry), WT/DS241/R, 22 April 2003, [7.17].

6. Appellate Body Report, Brazil – Measures Affecting Imports of Retreaded Tyres (Brazil – Retreaded Tyres), WT/DS332/AB/R, 3 December 2007, [217-234].

اختلاف سازمان، و هم‌چنین رقابت‌های درون سیستمی، پرده برداشت (لاورانوس، ۲۰۰۸: ۳۰۳-۲۹۸).

۱-۴-۳. ابزارهای در دسترس برای حل صلاحیت‌های متعارض^۱

برای حل مسئله‌ی صلاحیت‌های متعارض ابزارهایی پیشنهاد شده‌اند. برخی از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند برای حل مسائل صلاحیتی در حقوق بین‌الملل عمومی، به‌ویژه در رابطه‌ی سازمان تجارت جهانی با موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، می‌توان از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی بهره برد (لیم و گائو، ۲۰۱۱: ۳۱۴-۲۸۳).^۲ مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از: ۱- اعتبار امر مختومه؛^۳ ۲- دعوای مطروحه؛^۴ ۳- نزاکت؛^۵ ۴- نامناسب بودن مرجع رسیدگی؛^۶ ۵- حسن نیت^۷ و جلوه‌های آن (سوءاستفاده از فراروند^۸ و استوپل^۹) (فور کولیتا، ۲۰۲۱: ۲۰۰-۲۰۶).

ابزار دیگری که برای حل صلاحیت‌های متعارض کاربرد دارد؛ گنجانیدن شروط صلاحیتی^{۱۰} در موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد است. شروط صلاحیتی شروط معاهداتی‌ای هستند که به‌روشنی قصد طرف‌ها در خصوص مرجع رسیدگی انتخاب شده برای اختلافات موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد را بازتاب می‌دهند. شروط صلاحیتی می‌توانند به‌طور انحصاری یک مرجع رسیدگی معین را پیشنهاد کنند یا این‌که به طرف‌ها اجازه دهند تحت عناوینی مانند «شروط‌گزینش مرجع رسیدگی»^{۱۱} یا «شروط دوراهی در جاده»^{۱۲} به صورت موردی مرجع رسیدگی موردنظر برای اقامه‌ی اختلافشان را انتخاب کنند^{۱۳} (فور کولیتا، ۲۰۲۱: ۲۰۹-۲۰۶).

۱. برای ارزیابی امکان استفاده از این ابزارها در حل تعارضات صلاحیتی و این‌که آیا استفاده از آن‌ها در چارچوب حقوقی سازمان تجارت جهانی امکان‌پذیر است یا خیر، و هم‌چنین این‌که در رویه‌ی قضایی سازمان تا چه میزان از این ابزارها بهره برده شده است، رجوع کنید به: رساله‌ی دکتری نویسنده با عنوان «تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل؛ با تأکید بر رابطه‌ی سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد».

۲. در خصوص امکان استفاده از ابزارهای حقوق بین‌الملل خصوصی برای حل مسائل حقوق بین‌الملل عمومی اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال، دوپوی معتقد است «دیگر بیش از این امکان‌پذیر نیست تا مسائل مرتبط با تعدد، پیوستگی یا حتی پیوند زیرنظم‌های حقوقی بین‌المللی را با استفاده از حقوق بین‌الملل خصوصی حل کنیم.» (ببینید: دوپوی، ۲۰۰۷: ۴۲-۴۱).

3. res judicata

4. lis alibi pendens

5. Comity

6. forum non conveniens

7. Good Faith

8. Abuse of Process

۹. Estoppel: هیئت سازمان در پرونده‌ی گواتمالا - سیمان ۲ تعریفی از این اصل ارائه کرده است که مطابق آن «در مواردی که یک طرف ترغیب شده است تا متکی بر تضمین‌های طرف دیگر عمل کند، به روشی که اگر طرف دیگر بعداً موقعیتش را تغییر دهد لطمه‌ای به طرف دیگر وارد شود، چنین تغییری «استوپل» است، که ممنوع می‌باشد». ببینید:

Panel Report, Guatemala – Definitive Anti-Dumping Measure on Grey Portland Cement from Mexico (Guatemala – Cement II), WT/DS156/R, 24 October 2000, [8.23].

10. jurisdictional clauses

11. choice-of-forum clauses

12. fork-in-the-road

۱۳. این شروط را در موافقت‌نامه‌های زیر می‌توان یافت:

ابزارهایی که در این قسمت بیان شد سعی دارند تا در حل مسئله‌ی صلاحیت‌های متعارض میان محاکم و سازوکارهای بین‌المللی حل و فصل اختلاف یاریگر دادگزاران باشند. با توجه به تمرکز ما بر حوزه‌ی تجارت بین‌الملل برخی از موارد استفاده از این ابزارها در این حوزه مورد اشاره قرار گرفت. اما مسئله‌ی صلاحیت‌های متعارض همچنان بحثی گشوده برای حقوق دانان و کنشگران بین‌المللی باقی مانده است.

۲. تعاملات مشارکتی میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد؛ راهکارهایی برای بهبود آینده

در این بخش راه کارهای احتمالی برای مسائلی که از تعدد محاکم و دادگاه‌ها، و در نتیجه صلاحیت‌های رقیب یا متعارض، حاصل می‌شود را در پرتو یافته‌هایی که در قسمت‌های پیشین در خصوص ماهیت قضایی رژیم تجاری بین‌المللی به آن دست یافتیم، بررسی خواهیم کرد. با توجه به تمرکز بحث ما بر حوزه‌ی حقوق تجارت بین‌الملل سعی کرده‌ایم این راه کارها را با نظر به این حوزه و رویه‌ی قضایی موجود در این زمینه بررسی نماییم. هم‌چنین، این راه کارهای همه‌ی از یک جنس نیستند. برخی از این ایده‌ها اصلاحاتی معمولی‌اند که می‌توانند در پرونده‌ی مربوطه ارائه شوند، در حالی که برخی دیگر بنیادهای حقوق بین‌الملل را چنانکه ما می‌شناسیم مورد چالش قرار می‌دهند. برخی از این ایده‌ها به فوریت قابل اجرا هستند و نیاز به مقدمات خاصی ندارند، اما برخی از آنها در آینده‌ی نزدیک قابلیت اجرایی ندارند و نیازمند اصلاحاتی در هنجارها قواعد هستند تا مقدمات اعمال آنها فراهم شود. در ادامه به بررسی این ابزارها و راه کارها می‌پردازیم.

۲-۱. اصلاحات ساختاری؛ استفاده از ظرفیت‌های سازمان تجارت جهانی

دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی در حال حاضر یک سیستم قضایی واقعی، یعنی یک نظم نهادین ساختارمند یا سازمان‌یافته‌ی عمودی، را تشکیل نمی‌دهند. در نتیجه، سطح همکاری و هماهنگ‌سازی میان نهادهای قضایی متنوع موجود اندک است و قابل فهم است که دادگاه‌ها و محاکم متفاوت بتوانند تصمیماتی ناسازگار، تا در همامتن یک اختلاف واحد، اتخاذ کنند. این وضعیت ممکن است مشوق‌هایی برای طرف‌ها ایجاد کند تا از رقابت صلاحیتی سوءاستفاده کنند. در حوزه‌ی حقوق تجارت بین‌الملل، به دلیل وجود سازوکارهای متنوع برای حل و فصل اختلافات، احتمال وقوع این امور تا بیش از سایر حوزه‌ها است. می‌توانیم تأیید کنیم که وجود ساختارهای بین قضایی بهتر، باهدف بهبود همکاری و هماهنگ‌سازی میان مراجع رقیب، انگیزه‌ی اصلی برای سوءاستفاده از هم‌پوشانی صلاحیتی را از بین می‌برد (شانی، ۲۰۰۳: ۲۷۲).

Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership; United States-Korea Free Trade Agreement (KORUS FTA); EU-Canada Trade agreement (CETA), Art 29.4; EU-Japan Economic Partnership Agreement (EUJPEA), Art 21.27.



راه کارهای مربوط به استفاده از ظرفیت‌های سازمان تجارت جهانی را می‌توانیم در سه دسته بررسی کنیم. نهادهای تأسیس شده ذیل سازمان توانایی چشم‌گیری در کاستن از تعارضات میان این سازمان و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد دارند. در زیر آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۲-۱-۱. افزایش نقش کمیته‌ی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای^۱ در سازمان تجارت جهانی

به نظر می‌رسد کمیته‌ی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای که دقیقاً به منظور بررسی موافقت‌نامه‌های در حال مذاکره و انطباق این موافقت‌نامه‌ها با نظام تجاری چندجانبه تأسیس شده است، می‌تواند نقش قابل‌اعتنایی در جلوگیری از تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق بین‌الملل اقتصادی داشته باشد. این کمیته موافقت‌نامه‌های منفرد منطقه‌ای را بررسی و برای حفظ الزامات سیستمی موافقت‌نامه‌های چندجانبه‌ی سیستم تجاری تلاش می‌کند. تصمیم ۶ فوریه ۱۹۹۶ سازمان تجارت جهانی کمیته‌ی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای را با وظایف زیر تأسیس می‌کند:

- (۱) بر عهده داشتن بررسی مطابقت موافقت‌نامه‌ها با رویه‌ها و شرایط پذیرفته‌شده از سوی شورای تجارت کالاها، شورای تجارت خدمات و کمیته‌ی تجارت و توسعه، و درجایی که لازم است، ارائه‌ی گزارشش به نهاد مربوطه برای اقدام مناسب؛
- (۲) بررسی چگونگی انجام گزارش‌های موردنیاز درباره‌ی اجرای این موافقت‌نامه‌ها و اعلام توصیه‌های مناسب به نهاد مربوطه؛

...

- (۴) بررسی الزامات سیستمی این موافقت‌نامه‌ها و ابتکارات منطقه‌ای برای سیستم تجاری چندجانبه و ارتباط میان آن‌ها، و ارائه‌ی توصیه‌های مناسب به شورای عمومی.^۲
- در واقع، در عمل وظیفه‌ی تصدیق مطابقت موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای ارائه‌شده بر اساس ماده‌ی ۲۰ گات با مقررات سازمان، به کمیته‌ی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای محول شده است. هرچند، این نهاد تاکنون از موفقیت کمی در ارزیابی سازگاری موافقت‌نامه‌های تجاری ارائه‌شده به سازمان برخوردار بوده است (کراوورد و فیورنتینو^۳، ۲۰۰۵: ۱۹)، اما توجه بیش‌تر به نقش این کمیته در بررسی سازگاری موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای با قواعد نظام سازمان تجارت جهانی، که بخشی از آن مطابقت با نظام حل‌وفصل اختلافات می‌باشد، می‌تواند در پیش‌گیری از تعارضات حاصل از پدیده‌ی تعدد محاکم و صلاحیت‌ها مؤثر باشد.

1. The Committee on Regional Trade Agreements (CRTA)

برای مطالعه‌ی بیش‌تر درباره‌ی این کمیته به آدرس زیر مراجعه کنید:

https://www.wto.org/english/tratop_e/region_e/regcom_e.htm.

2. WTO; Decision of 6 February 1996 on Establishing Committee on Regional Trade Agreements. Available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/region_e/regcom_e.htm.

3. Jo-Ann Crawford and Roberto V. Fiorentino

۲-۱-۲. استفاده از دبیرخانه‌ی سازمان تجارت جهانی

نخستین شکل بلندپروازانه‌ی مشارکت در داخل نظام سازمان تجارت جهانی، امکان استفاده از دبیرخانه‌ی سازمان برای حمایت از هیئت‌های موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد است. از آنجایی که موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد دبیرخانه‌ی خاص خود را ندارند و تشکیل چنین ساختارهای نهادی دائمی بر اساس هر موافقت‌نامه برای مواجهه با اختلافات موردی هزینه‌بر و نامطلوب خواهد بود، می‌توان فرصت استفاده از دبیرخانه‌ی سازمان را در نظر گرفت. حمایت از یک دبیرخانه می‌تواند کارکرد بهتر سازوکارهای حل و فصل اختلاف موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد را تضمین کند.^۱

۲-۱-۳. استفاده از سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی برای حل اختلافات موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد

مفهوم تعاملات مشارکتی میان سازوکارهای حل و فصل اختلاف به معنای کار کردن در جهت یک هدف مشترک است. هر دوی سازوکارهای سازمان و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد در جهت حل اختلافات تجاری میان طرف‌های خود کار می‌کنند. بلندپروازانه‌ترین شکل از این مشارکت حل کردن اختلافات با همدیگر خواهد بود. بر این اساس، پس از تلاش برای حل موضوعات در مشاوره‌های دوجانبه بر اساس موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد، طرف‌ها می‌توانند آن موضوعات را به هیئت‌های سازمان ارجاع دهند. حقوق‌دانان بسیاری، از جمله عضو سابق رکن تجدیدنظر ریکاردو رامیرز-هرناندز در سخن‌رانی خداحافظی‌اش،^۲ این روش ساختاری پیش‌رو از تعاملات مشارکتی را توصیه کرده‌اند. استدلال شده است از آنجایی که موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد ابزارهای اصلی برای پیشرفت و تغییر در تجارت بین‌المللی هستند، اما سازوکارهای حل و فصل اختلاف آن‌ها در مقایسه با سازوکار سازمان، به عنوان سازوکار موفق‌تر، به ندرت استفاده می‌شود، بهتر است برای حل و فصل اختلافات موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد از این سازوکار استفاده شود (فورکولیتا، ۲۰۲۱: ۳۵۵).

برای اجرای این پیشنهاد، قواعد سازمان باید اصلاح شوند. صلاحیت هیئت‌های سازمان، چنانکه از مواد (۱)، (۲)، (۷) و (۱۱) تفاهم‌نامه نتیجه می‌شود، به دعاوی‌ای محدود است که بر اساس موافقت‌نامه‌های تحت پوشش اقامه شده‌اند. چنانکه رکن تجدیدنظر در پرونده‌ی ترکیه منسوجات خاطر نشان کرده است، هر چند هیئت‌های سازمان می‌توانند در خصوص سازگاری

۱. برای آشنایی بیشتر با دبیرخانه‌ی سازمان تجارت جهانی به آدرس زیر مراجعه کنید:

https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/anrep_e/anrep14_chap10_e.pdf

۲. «با توجه به میزان تخصص و دانش بسط یافته طی دهه‌های گذشته، سازمان تجارت جهانی می‌تواند مرکزی برای حل و فصل اختلاف تمام موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای باشد». ببینید:

Farewell speech of Appellate Body Member Ricardo Ramírez-Hernández, 28

www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/ricardoramirezfarwellspeech_e.htm



موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد با استلزامات ماده‌ی ۲۴ گات حکم کنند، اما دعاوی در خصوص سازگاری با هنجارهای موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد که هنجارهای افزون بر سازمان^۱ هستند نمی‌توانند بر اساس تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلاف اقامه شوند.^۲ برخی نویسندگان استدلال کرده‌اند که مواد ۷(۱) و ۷(۳) تفاهم‌نامه که به طرف‌ها اجازه می‌دهد تا بر حیطه‌ی اختیارات^۳ خاص توافق کنند می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای حل و فصل اختلافات موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد بدون اصلاح تفاهم‌نامه به کار گرفته شود (فلیت^۴، ۲۰۱۵: ۵۵۹).

در کنار حیطه‌ی اختیارات خاص، استدلال شده است که ماده‌ی ۲۵ تفاهم‌نامه در خصوص داوری می‌تواند به نحو مشابهی به‌عنوان مبنایی برای اقامه‌ی دعاوی غیر سازمان تجارت جهانی به خدمت گرفته شود. مطابق ماده‌ی ۲۵ داوری می‌تواند به‌عنوان روش بدیلی از حل و فصل اختلاف برای «موضوعاتی که به‌روشنی از جانب هر دو طرف معین شده است» به کار گرفته شود. نتیجه این که صلاحیت سازمان به اختلافات مربوط به موافقت‌نامه‌های تحت پوشش محدود است، و حیطه‌ی اختیارات خاص و ماده‌ی ۲۵ تفاهم‌نامه نمی‌تواند به‌عنوان راهی پنهانی برای اقامه‌ی اختلافات موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد بر اساس قواعد حل و فصل اختلاف سازمان به کار گرفته شود، هرچند برخی به نفع این امکان استدلال کرده‌اند (فورکولیتا، ۲۰۲۱: ۳۵۸-۳۵۵).

۲-۲. مشارکت قضایی افزایش یافته

با توجه به دشواری‌های زیاد در انجام اصلاحات ساختاری، گام نخست و واقع‌بینانه‌تر در بررسی مسائل برخاسته از تعدد دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی، افزایش سطح همکاری موجود میان نهادهای قضایی متنوع است. چنین بهبودی می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد. تمام روش‌های ممکن باید به‌منظور تشویق سازگاری رویه‌ی قضایی به کاررفته شوند.

۲-۲-۱. ارتباطات قضایی^۵

هر دوی نهادهای قضایی بین‌المللی و ملی در سطح جهان با یک‌دیگر گفت‌وگو می‌کنند. در اینجا، مفهوم «ارتباطات قضایی» به نحوی فهمیده شده است که دربردارنده‌ی ارجاعات صورت گرفته از سوی یک رکن قضایی در فرایند داد‌گزاری به رویه‌ی قضایی و طرز عمل رکن دیگر باشد. بسیاری از دانشوران ارجاع صورت گرفته از سوی یک دادگاه یا محکمه به رویه‌ی قضایی دیگری را به‌عنوان «گفت‌وگو» میان آن‌ها توصیف کرده‌اند.

1. WTO-plus
2. Appellate Body Report, Turkey – Textiles, [58–60].
3. Terms of Reference
4. James Flett
5. Judicial Communication

البته این ارتباطات قضایی، به جای تکیه بر مرجعیت قهری دادگاه دیگر برای تحمیل رویه‌ی قضایی‌اش، باید بر قدرت اقناع رویه‌ی قضایی آن دادگاه متکی باشد. در حقوق بین‌الملل، تا هنگامی که یک ساختار سلسله‌مراتبی وجود دارد، نهادی که در مرتبه‌ی بالاتری قرار دارد هیچ قدرت قهری‌ای برای تحمیل تبعیت از رویه‌ی قضایی‌اش بر نهادهای پایین‌تر ندارد. برای مثال، در خصوص سازمان تجارت جهانی، رکن تجدیدنظر در عبارتی مشهور شاخص «دلایل متقاعدکننده‌ی غائب» را مقرر کرد،^۱ و تأیید کرد که «ساختاری سلسله‌مراتبی اندیشیده شده در تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلاف» وجود دارد که در آن هیئت‌ها و رکن تجدیدنظر نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کنند و این که «قصور هیئت در پیروی از گزارش‌های قبلاً پذیرفته‌شده‌ی رکن تجدیدنظر در خصوص همان موضوعات، توسعه‌ی پیکره‌ای منسجم و پیش‌بینی‌پذیر از رویه‌ی قضایی را تضعیف می‌کند»؛ امری که تفاهم‌نامه آن را لازم دانسته است.^۲ علی‌رغم این اظهارات و قاعده‌ی دارای سابقه‌ی قضایی در سازمان، رکن تجدیدنظر هیچ اختیاری برای وادار کردن هیئت‌ها به پیروی از رویه‌ی قضایی‌اش ندارد، بلکه باید بر قابلیت اقناع نتیجه‌گیری‌های‌اش تکیه کند، به ویژه از زمانی که مقرر کرده است گزارش‌های رکن تجدیدنظر «الزام‌آور نیستند، به جز در رابطه با حل و فصل اختلاف خاص میان طرف‌ها».^۳

رابطه‌ای سلسله‌مراتبی میان نهادهای قضایی سازمان و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد وجود ندارد، اما می‌توانند از طریق ارتباط با یکدیگر با هم مشارکت کنند. در پرونده‌ی آرژانتین – ماکیان، هیئت مقرر کرد که: «بنیادی در ماده‌ی (۲) ۳ تفاهم‌نامه، یا هر مقرره‌ی دیگری، وجود ندارد که بر آن باشد که ما ملزم‌ایم تا به روش خاصی حکم کنیم، یا مقررات مربوطه‌ی سازمان تجارت جهانی را به روش خاصی اعمال کنیم. اشاره می‌کنیم که ما تا ملزم نیستیم تا از احکام مندرج در گزارش‌های پذیرفته‌شده‌ی هیئت پیروی کنیم، در نتیجه به هیچ وجه دلیلی نمی‌بینیم که چرا باید به احکام نهادهای حل و فصل اختلاف غیرسازمان تجارت جهانی ملزم باشیم»^۴ (فور کولیتا، ۲۰۲۱: ۲۷۹-۲۸۳).

۲-۲-۲. اجرای اصل نزاکت^۵

یکی از روش‌های عملی که از طریق آن می‌توان همکاری و توازن قضایی را ارتقا داد، اجرای نزاکت میان دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی است. آموزه‌ی نزاکت «به یک دادگاه اجازه می‌دهد تا از اجرای صلاحیت بر موضوعاتی که مناسب‌تر است از سوی محکمه‌ی دیگری استماع شود امتناع

1. Appellate Body Report, United States – Final Anti-Dumping Measures on Stainless Steel from Mexico (US – Stainless Steel), WT/DS344/AB/R, 30 April 2008, [160]

2. Appellate Body Report, US – Stainless Steel, [161]

3. Appellate Body Report, Japan – Taxes on Alcoholic Beverages (Japan – Alcoholic Beverages II), WT/DS8/AB/R, 4 October 1996, 14

4. Panel Report, Argentina – Poultry, [7.41].

5. comity

کند»، مگر ملاحظات تعیین‌کننده به نحو دیگری الزام کند. ترکیبی از اجرای اصل نزاکت و اعمال قواعد تنظیم‌کننده‌ی صلاحیت در خصوص دعوی مطروحه و اعتبار امر مختومه بسیاری از مسائل همراه با صلاحیت‌های هم‌پوشان را حل خواهد کرد (شانی، ۲۰۰۳: ۲۸۰-۲۷۸).

اجرای اصل نزاکت می‌تواند جلوه‌های متفاوتی داشته باشد. اصل نامناسب بودن مرجع رسیدگی^۱ و روش مادامی که^۲ از نمونه‌های آن است. این دادگاه قانون اساسی آلمان فدرال بود که روش مادامی که را بسط داد (لاورانوس، ۲۰۰۸: ۲۷۶). در پی احکام سیستم حل و فصل اختلافات سازمان در این خصوص که محدودیت‌های مربوط به واردات موز از سوی جامعه‌ی اقتصادی اروپا، حقوق سازمان را نقض کرده است چند دادگاه داخلی آلمان از دادگاه قانون اساسی درخواست کردند تا اعلام کند این محدودیت‌های کمیسیون اروپایی فراتر از اختیاراتش بوده است و به‌طور غیرقانونی آزادی‌های اساسی واردکنندگان آلمانی را محدود کرده است. دادگاه قانون اساسی آلمان در رأی خود در سال ۲۰۰۲ (Solange IV) این درخواست را مسموع ندانست. استدلال این دادگاه این بود که مادامی که استدلالی ارائه نشده باشد تا بیان کند که سطح موردنیاز حمایت از حقوق بشر در کمیسیون اروپایی به‌طور کلی پایین‌تر از حداقل سطح موردنیاز در قانون اساسی آلمان آمده است، به این درخواست رسیدگی نخواهد کرد (پترسمان^۳، ۲۰۰۸: ۷۸۳). براین اساس، دادگاه‌ها و محاکم می‌توانند در مواردی که ضرورت ندارد با اجرای اصل نزاکت و عدم ورود به ماهیت دعوا از به وجود آمدن صلاحیت‌ها و احکام متعارض در حقوق بین‌الملل جلوگیری کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی پدیده‌ی تعدد محاکم و صلاحیت‌ها در حقوق تجارت بین‌الملل و راه کارهای مواجهه با پیامدهای منفی آن بود. به همین منظور، در بخش نخست ابتدا عوامل تاریخی و ساختاری شکل‌گیری این پدیده در رژیم حقوق تجارت بین‌الملل را تبیین کردیم. سپس، آثاری که این پدیده در حقوق تجارت بین‌الملل به دنبال دارد را بیان نمودیم، مانند چندپارگی، صلاحیت‌های هم‌پوشان یا رقیب و رسیدگی‌های چندگانه در قالب رسیدگی‌های موازی و رسیدگی‌های متعاقب. در ادامه، صلاحیت انحصاری سازمان تجارت جهانی بر اختلافات تجاری بین‌المللی را بر اساس تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلاف توضیح دادیم. این صلاحیت انحصاری البته جنبه‌ی مطلق ندارد و در حوزه‌های زیادی با صلاحیت‌های سازوکارهای حل و فصل اختلاف تأسیس شده بر اساس موافقت‌نامه‌های تجارت هم‌پوشانی یا رقابت دارد. هرچند پدیده‌ی تعدد سازوکارهای حل و فصل اختلافات تجاری نشان‌دهنده‌ی تمایل فزاینده‌ی دولت‌ها برای حل و فصل

1. forum non conveniens

۲. Solange Method: Solange در آلمانی به معنای «مادامی که» (as long as) می‌باشد.

3. Petersmann

اختلافات تجاری از راه‌های مسالمت‌آمیز است، اما هم‌پوشانی صلاحیتی میان این سازوکارها پیامدهای نامطلوبی، مانند تعارض صلاحیت‌های سازوکارهای حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی و صدور احکام متعارض، در رژیم تجارت بین‌الملل را به دنبال دارد. این نگرانی صرفاً یک نگرانی نظری نیست، بلکه در عمل هم نمونه‌های متعددی از هم‌پوشانی‌ها و تعارضات صلاحیتی رخ داده است، که مهم‌ترین نمونه‌های آن را در رویه‌ی قضایی تجاری بین‌المللی نشان دادیم. به‌منظور مواجهه با پیامدهای نامطلوب هم‌پوشانی صلاحیتی ابزارهایی که برای حل تعارضات صلاحیتی پیشنهاد شده‌اند را ارائه کردیم. این ابزارها در دودسته‌ی ابزارهای حقوق بین‌الملل خصوصی و شروط صلاحیتی قابل‌طبقه‌بندی هستند.

درنهایت، در بخش دوم با توجه به اهمیت مشارکت میان سازوکارهای حل و فصل اختلافات تجاری و قواعد ماهوی مشترک زیادی که میان رژیم تجارت چندجانبه‌ی سازمان تجارت جهانی و رژیم دوجانبه و منطقه‌ای موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد وجود دارد، راه‌کارهایی که بهبود تعاملات مشارکتی میان این سازوکارها یاری می‌رسانند را پیشنهاد کردیم. برخی از این راه‌کارها نیازمند اصلاحاتی در ساختار نظام حل و فصل اختلافات تجاری هستند. کمیته‌ی موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای می‌تواند در پیشگیری از ایجاد قواعد حل و فصل اختلاف هم‌پوشان در این موافقت‌نامه‌ها نقش مؤثری ایفا کند. هم‌چنین، دبیرخانه‌ی سازمان تجارت جهانی می‌تواند نقشی هماهنگ‌کننده و انسجام بخش میان سازوکارها حل و فصل اختلاف سازمان و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد داشته باشد. پیشنهاد استفاده از سازوکار حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی برای حل اختلافات موافقت‌نامه‌ی تجارت آزاد نیز، با این‌که معادله برانگیز است و در آینده نزدیک ممکن نیست، از سوی برخی حقوق‌دانان بین‌المللی مطرح شده است. در ارزیابی این راه‌کارها می‌توان بیان کرد که اگرچه اصلاحات ساختاری سیستم قضایی کنونی به نظر دور از دسترس می‌رسد، اما دسته‌ای از اقدامات را می‌توان انجام داد تا همکاری و هماهنگ‌سازی صلاحیتی بهبود یابد و برخی مسائل همراه با رقابت صلاحیتی کاهش پیدا کند. بدین منظور در قسمت دوم پیشنهاد کردیم؛ سازوکارهای حل و فصل اختلافات تجاری می‌توانند اصل نزاکت و جلوه‌های آن، مانند آموزه‌ی مرجع رسیدگی نامناسب و روش مادامی‌که و نیز سایر اصول قابل‌اعمال از حقوق بین‌الملل خصوصی را بپذیرند و توجه مقتضی به تصمیمات هم‌تاهای خود داشته باشند. ایده‌ی دیگر این بود که ارتباطات قضایی میان سازوکارهای درگیر در حل و فصل یک اختلاف، خواه به‌صورت یک‌جانبه و خواه به‌صورت ارتباطات مشارکتی متقابل را تشویق و تقویت کنیم. به‌طور خاص، در حوزه‌ی حقوق تجارت بین‌الملل، با توجه به اشتراک اهداف و نیز برخی قواعد میان سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد احتمال زیادی برای موفقیت در دستیابی به مقررات تنظیم‌کننده‌ی صلاحیت و پرهیز از تعارضات احتمالی وجود دارد.

منابع

- سازمان جهانی تجارت. (۱۳۹۸). اسناد حقوق سازمان جهانی تجارت (ویراست جدید). ترجمه‌ی گروه مترجمین. مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary Measures. (1994). world trade organization, 1 – 11.
https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/15sps_01_e.htm
- Broude, Tomer. (2008). Fragmentation(s) of International Law: On Normative Integration as Authority Allocation. Edited by Tomer Broude and Yuval Shany. Oxford: Hart.
- Council Regulation (EEC). on the Common Organization of the Market in Bananas. Eur-lex.
<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A31993R0404>
- Crawford, Jo-Ann and Roberto V. Fiorentino. (2005). The Changing Landscape of Regional Trade Agreements. Geneva: World Trade Organization, 8, 1-38.
https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/discussion_papers8_e.pdf
- Dupuy, Pierre-Marie. (2007). The Unity of Application of International Law at the Global Level and the Responsibility of Judges. European Journal of Legal Studies, 1 (2), 29-52.
<https://cadmus.eui.eu/handle/1814/7703>
- Flett, James (2015). Referring PTA disputes to the WTO dispute settlement system, In Trade Cooperation: The Purpose, Design and Effects of Preferential Trade Agreements. Edited by Andreas Dür and Manfred Elsig. New York Cambridge University Press.
- Furculiță, Cornelia. (2021). The WTO and the New Generation EU FTA Dispute Settlement Mechanisms; Interacting in a Fragmented and Changing International Trade Law Regime. Springer Cham.
- Christina, Majaski. (1947). General Agreement on Tariffs and Trade. (GATT). Investopedia.
<https://www.investopedia.com/terms/g/gatt.asp#:~:text=Key%20Takeaways,to%20make%20international%20trade%20easier.>
- Hoffmann, Stanley. (1961). International Systems and International Law. World Politics, 14 (1), 205-237.
<https://www.cambridge.org/core/journals/world-politics/article/abs/international-systems-and-international-law/F235009301A82B0AF14DF430C15DDB5C>
- Kingsbury, Benedict. (1999). Is the Proliferation of International Courts and Tribunals a Systemic Problem?. New York University Journal of International Law and Politics, 31 (4), 679-696.
<https://www.iilj.org/publications/is-the-proliferation-of-international-courts-and-tribunals-a-systemic-problem/>
- Koskenniemi, Martti. (2009). The Politics of International Law – 20 Years Later. European Journal of International Law, 20 (1), 7-19.
<https://academic.oup.com/ejil/article/20/1/7/444766>
- Lavranos, Nikolaos. (2008). The Solange-Method as a Tool for Regulating Competing Jurisdictions among International Courts and Tribunals. Loyola of Los Angeles International and Comparative Law Review, 30 (3), 275-334.
<https://cadmus.eui.eu/handle/1814/12563>
- Lim, C. L. and Henry, Gao. (2011). The Politics of Competing Jurisdictional Claims in WTO and RTA Disputes: The Role of Private International Law Analogies. In The Politics of International Economic Law. Edited by Tomer Broude, Marc L. Busch and Amelia Porges. Cambridge: Cambridge University Press.
- Memorandum of Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes; or Dispute Settlement Understanding (DSU), 15 April 1994, Annex 2 of the WTO Agreement. World Trade Organization.
https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dsu_e.htm
- Petersmann, Ernst-Ulrich. (2008). Human Rights, International Economic Law and Constitutional Justice. European Journal of International Law. 19 (4). 769–798.
<https://academic.oup.com/ejil/article/19/4/769/349342>
- Picker, Colin B. (2017). The Coherent Fragmentation of International Economic Law: Lessons from the Transpacific Partnership Agreement. In Paradigm Shift in International



Economic Law Rule-Making TPP as a New Model for Trade Agreements?. Edited by Julien Chaisse, Henry Gao and Chang-fa Lo. Singapore: Springer.

- Ramírez-Hernández, Ricardo. (2018). Farewell speech of Appellate Body Member Ricardo Ramírez-Hernández.

www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/ricardoramirezfarwellspeech_e.htm.

- Shany, Yuval. (2003). The Competing Jurisdictions of International Courts and Tribunals. Oxford: Oxford University Press.

United Nations Convention on the Law of the Sea, 10 December 1982.

https://www.un.org/depts/los/convention_agreements/convention_overview_convention.htm

- Vagts, Detlev F. (2006). International Economic Law and the American Journal of International Law. American Journal of International Law, 100 (4), 769-782.

<https://www.jstor.org/stable/4126316>

WTO (1996). Decision of 6 February 1996 on Establishing Committee on Regional Trade Agreements. https://www.wto.org/english/tratop_e/region_e/regcom_e.htm.

WTO Members and Observers:

https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm.

- WTO Secretariat and budget:

https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/anrep_e/anrep14_chap10_e.pdf.